

# نقش علما در بیداری اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی و مقام معظم رهبری

عبد الجلیل فرهمند  
(مذهب: حنفی \* استان گلستان)



## چکیده

با توجه به جایگاه رفیع دین مبین اسلام و حضور قدرتمند آن در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی در مواجهه هوشمندانه با چالش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، نیازمند ترسیم چشم‌انداز جامعی است که آینده‌ای الهام‌بخش، فعال و مؤثر را در جهت تحکیم و ارائه الگوی مردم‌سالاری دینی، ایجاد و توسعه جامعه اخلاقی، نوگرایی و پویایی فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی براساس آموزه‌های اسلام ناب به همراه داشته باشد. در سایه تحقق و مدیریت چنین چشم‌اندازی با تکیه به هم‌گرایی می‌توان در مقابل موانع و دخالت استعمارگران و قدرتهای سلطه‌گر در جهان اسلام ایستادگی و تهدیدها را تبدیل به فرصت نمود. این امر با پژوهش و مطالعه عمیق و با مدیریتی کارآمد و راهبردی مدون از سوی علما و اندیشمندان جهان اسلام و با تکیه بر وحدت کلمه و با رعایت اصل وقت شناسی و دشمن شناسی نتیجه بخش و عملی خواهد شد.

**کلیدواژه‌ها:** بیداری اسلامی، امت واحده، وحدت و هم‌گرایی، دشمن شناسی، استکبار ستیزی و استبداد زدایی، امر به معروف و نهی از منکر.

## مقدمه

وجود رهبران، اندیشمندان و علما در هر جامعه‌ای به عنوان ارکان تأثیرگذار، نقش شریانه‌های حیاتی را ایفا می‌کنند که اگر به موقع، درست و کارآمد عمل نکنند، آن ملت و جامعه دچار انحطاط، تنزل و یا در معرض سقوط و اضمحلال قرار می‌گیرد. در حقیقت سکان‌دار هدایت مردم، علما و اندیشمندان هستند.

هویت زدایی و یا هویت بخشی با تدبیر و درایت علما و اندیشمندان محقق می‌شود. شناخت ظرفیتهای و فرصتهای جهان اسلام در جهت نیل به توسعه و فائق آمدن بر مشکلات و مسائل موجود و شناسایی و استفاده از فرصتها و ظرفیتهایی که برای مواجه شدن با تهدیدها و کاستیها در اختیار مسلمانان است و تدبیر راه‌حل برون‌رفت از وضعیت توسعه

نیافتگی فعلی، با درایت و هوشیاری خواص و علمای جوامع اسلامی میسر است.

در این مقاله کوشیده ایم که به نقش علما و اندیشمندان در چگونگی هدایتگری جامعه در فرهنگ سازی و نظام سازی، استکبار ستیزی و استبداد زدایی، وقت شناسی و دشمن شناسی، مبارزه با فساد و ثروت اندوزی، عدالت خواهی، شهادت طلبی و صبر و مقاومت و ایجاد امت واحده اسلامی پرداخته و جایگاه آن را در برون رفت از چالشهای پیش روی جهان اسلام با استفاده از آموزه های دینی و سخنان گهربار امام راحل(ره) و مقام معظم رهبری(مدظله العالی) بررسی کنیم.

### امت واحده در قرآن

«إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون» (انبیاء، 92)؛ «این امت شماست، امتی یگانه و من پروردگار شمایم، مرا بپرستید».

«وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا...» (یونس، 19)؛ «مردم جز يك امت نبودند. میانشان اختلاف افتاد».

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا...» (بقره، 143)؛ «چنین است که شما را بهترین امتها گردانیدیم تا بر مردمان گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد».

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...» (آل عمران، 103)؛ «و همگان دست در ریسمان خدا زنید و پراکنده مشوید».

در آیه های قرآنی از واژه های اجتماع، جامعه و مجتمع برای بیان اجتماع اسلامی سخنی به میان نیامده است. این واژه ها همه از «جمع» و بیانگر گرد آمدن و دور یکدیگر قرار گرفتن است (جامعه در عربی معاصر به معنای دانشگاه است). به جای این واژه ها از واژه «امت» استفاده شده است که معنای غنی و سرشاری دارد. امّ به معنای مادر، اصل، ریشه، مبدأ، محل بازگشت، مقصد، رئیس، ستون، وسط، مرکز، چیزی که اشیاء دیگر با آن در ارتباطند، و نیز فعل به معنای قصد کردن، آهنگ و عزیمت کردن است.

به طور کلی و براساس آیات بیان شده در قرآن، انسانها به يك سازماندهی فراگیر و منسجم و قرار گرفتن تحت لوای امت واحد اسلامی دعوت می شوند. در واقع مراد از امت اسلامی در قرآن، گروه وسیعی از مردم است که تحت رهبری و هدایت مشترک بوده و به سوی هدفی واحد در حرکت می باشند. این جامعه آرمانی اسلام، دارای ویژگیهای خاصی است که آن را از سایر جوامع متمایز می سازد. در شکل گیری امت اسلامی قطعاً ویژگیها و خصوصیات دینی از اصالت برخوردارند. به عبارت دیگر امت اسلامی بر یک مجموعه بین المللی اطلاق می شود که از یک پیام و دستور الهی اطاعت می کنند و رسالت

یک پیامبر را می‌پذیرند. در این چهارچوب به جامعه مسلمانان که تحت حکومت اسلامی زندگی می‌کنند، امت گفته می‌شود. نکته دیگر اینکه اسلام امت جهانی خود را بر مبنای وحدت انسانها بنا می‌کند، وحدتی که از طریق انسان دوستی و احترام به حقوق انسانها و برادری و برابری میان آنها حاصل می‌شود. تنها بدین صورت است که مسلمانان در مقابل بیگانگان «یاد واحد» می‌شوند و توانایی مبارزه و دفاع از دین خود را می‌یابند. وحدت امت اسلامی تنها از طریق تبعیت از پرچم توحید اسلامی و پیروی از قرآن و عترت و سنت امکان پذیر خواهد بود و این وجهی از وجوه تفکر اسلامی است که به دلیل زیربنای ایدئولوژیکی آن، در قالب بیداری اسلامی تحقق پذیر است.

### مفهوم وحدت و انسجام اسلامی

در این برهه از زمان، وحدت رمز عبور برای بازیابی عزت و هویت اسلامی است و امت اسلامی نیازمند بصیرت افزایی برای دستیابی به کرامت انسانی و رسیدن به جایگاه حقیقی خود می‌باشد و این مهم جز با تمسک به وحدت و مودت حاصل نخواهد شد. این مهم را مقام عظمای ولایت همواره در افق نگاه امت اسلام ترسیم، و با تأکید بر لزوم اهتمام به وحدت اسلامی و لزوم هوشیاری مسلمانان، رمز پیروزی حرکت ملتهای منطقه را تداوم حرکت و ادامه مجاهدت، توکل به خدای متعال، حسن ظن و اعتماد به خدا و حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه عنوان نموده‌اند.

ایشان در تعریف مفهوم وحدت می‌فرمایند: «ما در مسئله وحدت، جدی هستیم. ما اتحاد مسلمین را هم معنا کرده‌ایم. اتحاد مسلمین، به معنای انصراف مسلمین و فِرَق گوناگون از عقاید خاص کلامی و فقهی خودشان نیست؛ بلکه اتحاد مسلمین به دو معنای دیگر است که هردوی آن باید تأمین بشود: اول اینکه فِرَق گوناگون اسلامی (فرق سنی و فرق شیعه) - که هرکدام فرق مختلف کلامی و فقهی دارند - حقیقتاً در مقابله با دشمنان اسلام، همدلی و همدستی و همکاری و همفکری کنند. دوم اینکه فرق گوناگون مسلمین سعی کنند خودشان را به یکدیگر نزدیک کنند و تفاهم ایجاد نمایند و مذاهب فقهی را باهم مقایسه و منطبق کنند. بسیاری از فتاوی فقها و علما هست که اگر مورد بحث فقهی عالمانه قرار بگیرد، ممکن است با مختصر تغییری، فتاوی دو مذهب به هم نزدیک شود» (بیانات در دیدار با میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی و جمعی از اқشار مختلف مردم، 1368/7/24 ش).

انسجام اسلامی به معنای هم‌گرایی پیروان مذاهب مختلف در عین وجود اختلافات مذهبی است؛ چرا که حذف اختلاف و تنوع فکری و مذهبی ممکن نیست. آنچه مطلوب و شدنی است، یافتن راهبردهای نظری و عملی برای مدیریت صحیح پدیده تعدد باورهای مذهبی و جلوگیری از آسیبها و پیامدهای زیانبار

واگرایی در جوامع اسلامی است. بنابراین، پذیرش حضور دیگری و به رسمیت شناختن اختلاف و تنوع افکار را باید نخستین و چه بسا مهم‌ترین گام و مبنای اندیشه وحدت به شمار آورد. بررسی سخنان مقام معظم رهبری بیانگر این مطلب است که تأکید ایشان به وحدت چنین مبنایی دارد.

ایشان با نگاهی به اوضاع اجتماعی حاکم می‌فرماید: «مسئله‌ای که لازم است در آستانه هفته وحدت به همه ملت ایران و همچنین به مسلمانان عالم عرض کنم، اهمیت وحدت بین مسلمین و ارتباط برادرانه میان برادران مسلمان در همه جا و در همه شرایط است. در ابتدا باید معلوم کنیم که مقصود ما از وحدت مسلمانان چیست؟ حرف ما در هفته وحدت و به عنوان پیام وحدت، این است که مسلمانان بیایند باهم متحد بشوند و با یکدیگر دشمنی نکنند. محور هم کتاب خدا و سنت نبی اکرم (ص) و شریعت اسلامی باشد. این حرف، حرف بدی نیست. این حرف، حرفی است که هر عاقل بی‌غرض و منصفی، آن را قبول خواهد کرد».

ایشان همچنین می‌فرماید: «منظور ما از وحدت چیست؟ یعنی همه مردم یک جور فکر می‌کنند؟ نه. یعنی همه مردم یک جور سلیقه سیاسی داشته باشند؟ نه. یعنی همه مردم یک چیز را، یک شخص را، یک شخصیت را، یک جناح را، یک گروه را بخواهند؟ نه. معنای وحدت اینها نیست. وحدت یعنی نبودن تفرقه و نفاق و درگیری و کشمکش. حتی جماعتی که از لحاظ اعتقاد دینی نیز مثل هم نیستند، می‌توانند اتحاد داشته باشند؛ می‌توانند کنار هم باشند؛ می‌توانند دعوا نکنند...» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، 1379/1/26 ش).

ایشان ضمن پذیرش اختلافات مذهبی، آن را مانع همبستگی در برابر دشمن خارجی نمی‌دانند. بنابراین از منظر مقام معظم رهبری، وحدت ایدئولوژیکی، وحدتی آرمانی و مطلوب است که در سطح مذاهب اسلامی، عملی نیست. آنچه مطلوب و شدنی است، وحدت استراتژیکی به معنای وحدت عملی و همبستگی براساس اصول مشترک اسلامی در برابر دشمن مشترک جهان اسلام است که کیان اسلام، منابع و ذخایر کشورهای اسلامی را مورد هدف قرار داده است.

«بیداری اسلامی» رمز گام نهادن در راه وحدت است. «اختلافهای جهان اسلام» مهلکه‌ای است که «طمع قدرتها» را برمی‌انگیزاند. سران دولتهای اسلامی باید به تعبیر امام، در برابر ملتهای خود خضوع نمایند و عزت و سیادت آنان در گرو همین وحدت و انسجام است. در واقع، تفرقه عامل تسلط بیگانگان بر دنیای اسلام است.

فراموش نکنیم، وقتی از «وحدت امت اسلامی» یا به تعبیر رهبر فرزانه «انسجام اسلامی» یاد می‌شود، به معنی برداشتن مرزهای جغرافیایی نیست، بلکه به معنی وحدت عملی کشورهای اسلامی و درک متقابل و تعامل متناسب در خصوص موضوعات

مشترک، حول مهم‌ترین مصالح اسلامی است. بنابراین بر همین اساس است که امام راحل، آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را روز قدس معرفی می‌کند و یا فتوای تاریخی مقام معظم رهبری مبنی بر تحریم هتک حرمت به مقدسات مذاهب اسلامی، خصوصاً همسران پیامبران و نبی مکرم اسلام، صادر می‌شود. این فتوا در حالی صادر شد که عده‌ای از افراطیان مذاهب بر طبل تفرقه می‌کوبیدند و به دنبال ایجاد شرایط بحرانی و راه-اندازی درگیری مذهبی در بین امت اسلامی بودند که با درک عمیق رهبر معظم انقلاب، از فتنه‌ای دیگر در بین امت اسلامی جلوگیری شد.

به راستی چه خسارتهای عظیمی که امت اسلام از تفرقه و جدایی به خود دیده و چه ضررهایی که بر آنان وارد شده است. مگر آیات قرآن وعده خیر امت و الگو بودن را نداده است؟ مگر نه این است که با اوامر متعدد همه را به وحدت و انسجام امر نمود و از تفرقه و نزاع نهی کرد؟ مگر تشکیل مراسم عبادی دسته جمعی مثل نماز جمعه و جماعات و نمازهای عید و حضور در کعبه عاشقان و بیت الله الحرام، نمادی از همبستگی امت اسلامی نیست؟ اینکه همه مسلمانان در ماه ذی‌الحجه در ایام حج، به آن مکان مقدس مشرف می‌شوند و از لباسها و رنگهای متعدد خارج و جامه سفید و لباس احرام بر دوش می‌گیرند و لبیک گویان، گرد حرم الهی، طواف می‌کنند و در سعی بین صفا و مروه، گام برمی‌دارند و دیگر اعمال را همانند هم انجام می‌دهند و شیطانهای جن و انس را زمی می‌کنند، همه این اعمال نمادی از مظهر اتحاد و انسجام امت اسلامی و سدی محکم در برابر تفرقه و تفرقه افکنان و تبعیت از خدای یگانه و حرکت در مسیر امت واحده است.

### **نقش علما و اندیشمندان در بیداری اسلامی**

بی‌شک بیداری اسلامی از مهم‌ترین پدیده‌های سیاسی - اجتماعی قرن اخیر می‌باشد. این جنبش که با هدایتگری علما وقوع یافته، نوعی باور تعمیم یافته در میان ملت‌های مسلمان می‌باشد که منجر به جنبش‌های انقلابی شده است و در هر منطقه - ای که دارای رهبری بر توده‌های مردمی بوده، به نتایج مهمی دست یافته است. بیداری اسلامی با هدایت و رهبری سازنده عالمان و اندیشمندان مسلمان، می‌تواند هویت واحد امت اسلامی را احیا نموده و به سوی مجد و عظمت دوباره مسلمانان و تجدید تمدن بزرگ و انسان‌ساز اسلامی پیش رود. در شرایط کنونی جوامع اسلامی، مشترکات دینی نقاط همسان و همانند آنان را پدید آورده‌اند که در حقیقت نشانگر نوعی وحدت در ذات هویت دینی می‌باشد. وجود هویت اسلامی در میان مسلمانان، آثار مهمی از جمله هدفمند کردن انسانها، تبیین فلسفه حیات، امید به آینده و زمینه‌سازی برای وحدت دینی در پی دارد.

اینک با توجه به جریان بیداری اسلامی، علما و اندیشمندان جهان اسلام برای ترسیم هویت اسلامی باید براساس سه محور پرهیز از اختلافات و تکیه بر اشتراکات دینی، تکیه بر هویت مشترک مسلمانان و جهان اسلام، و حراست از ارزشهای هویت اسلامی، در برابر تهدیدهای درونی و بیرونی حرکت نمایند. تکیه بر هویت مشترک اسلامی در متن بیداری اسلامی در شرایط کنونی اساسی‌ترین رهیافتی است که می‌تواند در صیانت از دستاوردهای امت اسلامی و پایه‌گذاری عزت اسلامی و تجدید تمدن اسلامی نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد.

نکته قابل توجه اینکه شکل‌گیری بیداری اسلامی، که همراه با سقوط زود هنگام برخی از دیکتاتورهای موروئی این حوزه شد، نه تنها تاج و تخت بیشتر حکومت‌های عربی را لرزان نموده، بلکه همگام با سرعت تغییر و تحولات در خاورمیانه و شمال آفریقا، منجر به تضعیف شدید جایگاه و عمق استراتژیک رژیم اشغالگر قدس شده است. شرایط کنونی حاکی از اضطراب و دگرگونی‌های گسترده در نگرش‌های استراتژیکی قدرتهای ذی‌نفوذ نسبت به روند و چشم‌انداز این تحولات است. بنابراین، آنچه برای قدرتهای ذی‌نفع و به ویژه قدرتهای غربی از اهمیت بسزایی برخوردار است، موضوع چگونگی هدایت و کنترل برنامه‌ریزی شده و استمرار و به ثمر نشستن این خیزشها با هدف مصادره انقلاب‌های مردمی در قالب دستمایه‌های دموکراسی غربی و نیز تلاش برای ایجاد یک سازماندهی هدفمند در ساختارهای سیاسی و استراتژیکی این مناطق است. بدین جهت مسلمانان باید تمام توجه و تلاش خود را در جهت حفظ و ادامه این جریان‌های انقلابی معطوف دارند و بدون شک عامل اساسی استمرار بیداری اسلامی در جوامع اسلامی، حفظ هویت واحد امت اسلامی می‌باشد.

جایگاه و نقش عالمان بصیر و فقیهان شجاع و مصلحان دلسوز که هدایتگران اصلی این جنبشها هستند، بر کسی پوشیده نیست، در واقع بیداری جوامع اسلامی که نشان بارز احیای هویت واحد اسلامی است، مبین نقش هدایتگری علما و روحانیان است؛ زیرا درک حرکت‌های دقیق سیاسی و فرهنگی غرب، و هدف‌گذاری‌های آینده آنها جز از طریق چشمان تیزبین اندیشه‌ها، امکان پذیر نبوده و نیست. علما و روحانیان با عنایت عمیق نسبت به توانمندیها و ظرفیتهای بی‌نظیر اندیشه اسلامی و نقصانهای جدی اندیشه غربی و با توجه به هدف‌گذاری‌های تقابلی و حذف‌گرایانه غربیان، در آگاهی دادن به سطوح مختلف بلاد اسلامی، نقش بسزایی داشته و دارند.

از مؤلفه‌های اصلی علمای شاخص و بصیر این است که ایشان همواره بر بیداری همه ملتها، صرف‌نظر از جغرافیایی که در آن قرار دارند، تأکید کرده‌اند و مبارزه را در هر کجا که باشد مد نظر دارند. مقابله با ظلم و طاغوت را منحصر در مکان خاصی نمی‌دانند و تأکید دارند که مسلمانان در هر کجای عالم که هستند، نباید به حاکمان اجازه جور را

بدهند. چنانچه امام خمینی فرمودند: «برای من مکان مطرح نیست. آنچه مطرح است مبارزه بر ضد ظلم است. هر جا بهتر این مبارزه، صورت بگیرد، آنجا خواهم بود» (خمینی، 1362ش، ج5، ص301).

نکته دیگر اینکه اقوال، آراء و رویکردهای دانشمندان و متفکران جهان اسلام که در دهه‌های اخیر در باب بیداری، خیزش و آگاه‌سازی مسلمانان مطرح شده، می‌تواند منبع غنی برای نظریه‌پردازی محسوب گردد و بخش قابل توجهی از ذخایر علمی و فکری را تأمین نماید. بیداری اسلامی برای بالندگی و همه‌گیر شدن، نیازمند اندیشه‌هایی است که در عرصه‌های شفاف و علمی به منصفه ظهور رسیده و با هدف متعالی تنویر جریان بیداری اسلامی به نهال مقدس آن تزریق گردد. از این رو تعهد انقلابی و اسلامی در این زمینه می‌تواند بسیار کارساز باشد و به تکوین اندیشه‌های هدایت‌گرانه کمک نماید. با این توصیف رهبری و هدایت جریان بیداری اسلامی مرهون علمایی است که گذر عمر گران‌قدر خود را صرف تفکر، اندیشه‌ورزی و نظریه‌پردازی می‌نمایند و با استمداد از باری‌تعالی و با اتکا بر مبانی معرفت‌شناسانه خود، به خلق اندیشه‌های مصلحانه و روشنگرانه در حوزه غنی‌تر گشتن جنبش بیداری اسلامی می‌پردازند. بی‌تردید دشمنان جریان بیداری اسلامی با تمامی قوا در صدد خواهند بود تا با انواع تحركات شیطنت‌آمیز و تفرقه افکن، نهال سرسبز این جریان را مسموم نموده و به اضمحلال تدریجی این جنبش عظیم بپردازند. بنابراین برای مقابله با این‌گونه تنش‌های خصمانه، تقویت جایگاه علما و روحانیان می‌بایست به صورت یک جریان دقیق و عمیق علمی و سازمان‌یافته در اولویت‌های جنبش بیداری اسلامی قرار گیرد.

امام خمینی در بیانات خود در ذی‌الحجه 1407ق، به قدرت شگفت‌انگیز روحانیان اسلام در بیداری اسلامی اشاره می‌کند که در رهبری انقلابی عظیم متجلی شد و مراحل و مراتب سخت و موانع و مشکلات بی‌شمار را پشت سر گذاشت و سرانجام به پیروزی رسید. همین قدرت خیره‌کننده را در صیانت از دین و استقلال و تمامیت ارضی کشور و مقابله با توطئه‌های مختلف دشمنان مطرح می‌کند و به تمجید از آن می‌پردازد. ایشان مسئولیت سنگین روحانیان را در صدور فرهنگ و ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران به سایر کشورها یاد می‌کند و آن را ارج می‌نهد و امتداد این خط و مسیر را خواستار می‌شود. حضرت امام، علما و روحانیان کشورهای منطقه را به داشتن انرژی و نیروهای بالقوه برای هدایت و رهبری نهضت‌های رهایی‌بخش اسلامی یادآور می‌شود و آنان را به الگوگیری از علمای مبارز ایران و قیام و انقلابی که علیه نظام شاهنشاهی ایجاد و رهبری و به پیروزی منتهی کردند، فرا می‌خواند (ر.ک: همان، ج20، ص334).

رهبر انقلاب اسلامی ایران در بیان اهمیت و نقش علما در حرکت‌های انقلابی و مؤثر فرمودند: «روحانیت کشور ایران فقط به خطابه و وعظ و ذکر مسائل روزمره اکتفا ننموده است و با دخالت در مهم‌ترین مسائل سیاسی کشور خود و جهان توانسته است قدرت مدیریت روحانیت اسلام را به نمایش بگذارد و اتمام حجتی برای همه قائلین به سکوت و سازشکاران بی‌تعهد و علم‌فروشان بی‌عمل باشد و تعجب است که چگونه بسیاری از علما و روحانیون کشورها و بلاد اسلامی از نقش عظیم و رسالت الهی و تاریخی خود در این عصری که بشریت تشنه معنویت و احکام نورانی اسلام است، غافلند و عطش ملتها را درک نمی‌کنند و از التهاب و گرایش جوامع بشری به ارزشهای وحی بی‌خبرند و قدرت و نفوذ معنوی خود را دستکم گرفته‌اند، که در همین شرایط پر زرق و برق حاکمیت علوم و تمدن مادی بر نسل معاصر، علما و خطبا و ائمه جمعه بلاد و روشنفکران اسلامی با وحدت و انسجام و احساس مسئولیت و عمل به وظیفه سنگین هدایت و رهبری مردم، می‌توانند دنیا را در قبضه نفوذ و حاکمیت قرآن در آورند و جلوی این همه فساد و استثمار و حقارت مسلمین را بگیرند» (همان).

تعابیر جهادی امام این‌گونه است که آیا برای علمای کشورهای اسلامی ننگ‌آور نیست که با داشتن قرآن کریم و احکام نورانی اسلام و سنت پیامبر(ص) و ائمه معصومان(ع)، احکام و مقررات کفر در ممالک اسلامی تحت نفوذ آنان پیاده شود و تصمیمات دیکته شده صاحبان زر و زور و تزویر و مخالفان واقعی اسلام اجرا گردد و سیاست‌گذاران کرم‌لین یا واشنگتن دستورالعمل برای ممالک اسلامی صادر کنند؟ علمای بلاد و کشورهای اسلامی باید راجع به حل مشکلات و معضلات مسلمانان و خروج آنان از سیطره قدرت حکومت‌های جور با یکدیگر به بحث و مشورت و تبادل نظر بپردازند و برای حفظ منافع مسلمانان سینه‌ها را سپر کنند و جلوی تهاجم فرهنگ‌های مبتذل شرق و غرب را بگیرند که به نابودی نسل و حرث ملتها منتهی شده است، و به مردم کشورهای خود آثار سوء و نتایج خود باختگی در مقابل زرق و برق غرب و شرق را بازگو کنند و به مردم و به دولتها خطر استعمار نو و شیطنت ابرقدرتها را گوشزد کنند که جنگ و مسلمان‌کشی در جهان به راه انداخته‌اند (ر.ک: همان، ج 20، ص 347).

رهبر معظم انقلاب نیز در بیانی دیگر اهمیت ویژه و جایگاه علما را چنین ترسیم کرده و فرموده‌اند: «ایجاد یک فکر، گفتمان و جریان فکری در جامعه، به دست خواص جوامع و اندیشمندان جامعه است؛ علما می‌توانند فکر ملتها را به سمتی هدایت کنند که مایه نجات ملتها شود؛ روایتی است از رسول مکرم اسلام، حضرت محمد بن عبدالله(ص)، که می‌فرماید: «لا تصلح عوام هذه الأمة إلا بخواصتها قبل یا رسول الله و من



خواصتها قال العلماء»؛ اول علما را ذکر کرد، بعد چند دسته دیگر. بنابراین روحانیت در هر کشوری می‌توانند سررشته‌دار حرکت مردم شوند» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی، 1391/9/21 ش).

## راه‌های برون‌رفت از چالشها

### 1. دشمن شناسی

همواره تقابل حق و باطل در طول تاریخ همراه انسانها بوده است. وجود 106 بار واژه عدو و مشتقاتش در قرآن به معنای دشمنی به کسانی اطلاق گردیده که در دل با انسان به عداوت پرداختند و در ظاهر نیز مطابق با آن رفتار می‌کنند و خداوند در این آیات طریقه شناسایی باطن دشمنان را نیز نشان داده است و به مؤمنان هشدار می‌دهد که غیر از هم-مسلمانان برای خود دوست و همراز و یا همسر انتخاب نکنید، تا بیگانگان از اسرارشان مطلع نگردند. اما اساس دشمنی از نفاق سرچشمه می‌گیرد و کاربرد 111 بار نفاق در قرآن به معنای اهمیت آن می‌باشد.

در واقع نفاق به معنای کانالهای زیرزمینی قابل استفاده-ای برای استتار یا فرار چهره‌ها می‌باشد. در قرآن منافقان به عنوان خطرناکترین دشمن اسلام و مسلمانان مطرح شده‌اند؛ زیرا آنها نسبت به مسلمانان کینه‌توزی و عداوت دارند، اما مسلمانان به دلیل چهره ظاهریشان آنان را دوست و همکیش خود می‌دانند و از این رو مبارزه با آنان در مواردی غیرممکن می‌گردد. بحث شناخت دشمن در مکتب سیاسی قرآن کریم، از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است و خداوند در آیات متعددی دشمنان متنوع جبهه حق را در شکل‌های گوناگونی معرفی می‌کند و چهره‌های پلید و گمراه کننده آنان را برای پیروان حق آشکار می‌نماید، تا مسلمانان آنان را بهتر بشناسند. در این آیات بیشتر سخن از هجوم همه جانبه دشمنان بر ضد پیروزی حق به میان می‌آید که حتی اگر عقب نشینی نمایند باز خود تاکتیکی برای رویارویی دوباره و هشدار مهم برای پیروزی حق می‌باشد. پیکار حق و باطل موقتی نیست و از آنجا که هدف مشترک نابودی نظام الهی است، این نبرد تا قیامت هم استمرار دارد. اگرچه به-رغم تمامی توطئه‌های گوناگون دشمنان اسلام در طول تاریخ، شاهد درخشش روزافزون حق می‌باشیم؛ زیرا خداوند مدافع حریم حق است. یکی از اساسی‌ترین شرایط موفقیت یک فرد یا جامعه در تمامی عرصه‌ها، شناخت دشمن است و هرگاه آدمی دشمن را شناخت، به موفقیت دست خواهد یافت. اما شناخت دشمن در همه جا و برای همه به آسانی ممکن نیست و نقش علما و اندیشمندان جامعه برای شناسایی و معرفی دشمن به مردم یک امر مهم و وظیفه سنگینی است که آنها بر دوش دارند. چه بسا ملت‌هایی که در طول تاریخ در اثر غفلت از

دشمنان و فقدان آگاهی و بصیرت لازم سیاسی و اجتماعی در شناخت توطئه‌های بیگانگان و اتخاذ مواضع به موقع و صحیح توسط نخبگان و خواص آن جامعه به سرنوشتی هلاکت بار منجر گردیده‌اند. امیرمؤمنان علی(ع) در کلام خود در این باره می‌فرمایند: «کسی که در برابر دشمنش به خواب رود (از او غافل بماند)، حيله‌های (غافلگیرانه دشمن) او را از خواب بیدار می‌کند» (آمدی، بی‌تا، ج 5، ص 344). در همین رابطه بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی(ره) می‌فرمایند: «نباید غافل باشیم، ما باید بیدار باشیم و توطئه‌های آنها را قبل از اینکه باهم جمع بشوند، خنثی کنیم» (خمینی، 1362ش، ج 7، ص 48).

## 2. استکبار ستیزی و استبداد زدایی

یکی از عوامل عقب ماندگی کشورهای شرقی سرسپردگی حاکمان این ملتها در مقابله با پدیده استعمار می‌باشد. این حاکمان برای به دست گرفتن حاکمیت چند روزه خود، چوب حراج به داشته‌های ملت خود می‌زدند و زمینه مقابله با استعمارگران را از مردم می‌گرفتند. قراردادهای ننگین گلستان، ترکمن‌چای و ... همه و همه بیانگر این سرسپردگی در مقابل استعمارگران بود؛ زیرا به اقرار خود بیگانگان، برخی از این قراردادها در حکم فروش تمام داشته‌های یک ملت در برابر استعمار می‌باشد. در اندیشه سیاسی علمای معاصر جهان اسلام که از چشمه زلال دینی سرچشمه می‌گیرد، هر نوع تسلط استعماری مورد مذمت قرار گرفته و با رویکرد تحریمی با آن برخورد شده است.

امام خمینی خود یکی از این دشمن ستیزان آگاه و بلندآوازه و مخالفان نظام استکباری است که با تکیه بر روح ذلت ناپذیری و ستم ستیزی فریاد «هیئات منا الذلّة» را که برگرفته از اسلام ناب محمدی(ص) بود، سر دادند و این فریاد که از عمق ایمان او نشئت می‌گرفت، لرزه بر پیکره بیگانگان و بیگانه‌پرستان افکند. از کلامش کرامت می‌بارید و مشعل امید را در دل‌های سرد و فرسوده برمی‌افروخت و همچون اکسیری ناب مس دلها را مبدل به طلای خالص می‌ساخت. نهیبش صاعقه‌ای برای نوکران استکبار و حرکتی پر از جوش بود. توکل و تقوایش بارقه‌ای برای جذب عدالت‌جویان و رسانیدن آنان به ساحل نجات بود.

آن عبد صالح با تکیه بر قدرت لایزال الهی در هر شرایط مناسبی به روشنگری می‌پرداخت و اهداف شوم دشمنان را برملا می‌ساخت. او در تاریخ 1367/4/29 ش مسلمانان را به پاسداری از هویت‌های الهی توصیه کرد و تصمیم شیطانی دشمن را نسبت به غارت ارزشهای اسلامی گوشزد نموده و فرمود: «نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم، این است که دشمنان ما و جهانخواران تا کی و کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه

مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه خوبیها و ارزشهای معنوی و الهی‌مان نمی‌شناسند و به گفته قرآن کریم، هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما برنمی‌دارند، مگر اینکه شما را از دینتان برگردانند» (همان، ج 20، ص 237).

از مهم‌ترین محورهای بحث احیای طلبی در اندیشه‌های امام خمینی(ره) اعتقاد آن حضرت به احیای اندیشه حکومت اسلامی و رهبری دینی است. زمانی که حضرت محمد(ص) از مکه به مدینه هجرت نمودند، در مدینه پایه‌های حکومت اسلامی را بنیان نهادند و ده سال آخر عمر گهربار خویش را به تقویت و تحکیم آن پرداختند. در تاریخ اسلام از آغاز تاکنون شاهد حرکتهای اصلاحی جهت احیای اندیشه حکومت اسلامی بوده‌ایم و می‌توان به نمونه‌هایی همچون سید جمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده و جنبش اخوان المسلمین و در ایران نهضت فدائیان اسلام و جنبش جنگل اشاره کرد. ولی اقداماتی که توسط امام خمینی(ره) به عنوان رهبر و بنیان‌گذار این حرکت صورت گرفته، به صورت «محوری» بوده است. ایشان در گفته‌ها، سخنرانیها و آثار مکتوب خویش همواره نظر به ضرورت تبیین حکومت اسلامی داشتند. ابتدا به تبیین نظری و سپس به تبیین عملی و تشکیل حکومت اسلامی اقدام نمودند. تلاش ایشان باعث جلب نظر شخصیتها و اندیشمندان دینی به سیاست و امور سیاسی شد که در این زمینه آثار گرانبهایی از خود برجای گذاشتند.

زمانی که امام راحل به احیای ایده حکومت اسلامی مبادرت ورزیدند، مهم‌ترین راه اصلاح این ایده را تقویت نظریه عدم جدایی دین از سیاست می‌دانستند. هرچند در تاریخ کشور ایران، «مدرس» از جمله پیشگامان مبارزه با اندیشه جدایی دین از سیاست بود و سخن معروف وی «دیانت ما عین سیاست ما و سیاست ما عین دیانت ماست» همواره دلنشین و به یادماندنی است، اما اولین کسی که این نظریه را عینیت بخشید، امام خمینی بود و همواره بر این باور بود که: «اسلام دین سیاست است، دینی است که در احکام آن، در مواضع آن، سیاست به وضوح دیده می‌شود» (همان، ج 8، ص 265).

از این رو فرهنگ استکبار ستیزی و دشمن‌شناسی و داشتن خودباوری و استقلال که برگرفته از اندیشه امام راحل است، باید سرلوحه افکار علما و اندیشمندان جهان اسلام قرار گیرد و همواره در صدد دفاع از شرف و عزت اسلام در هر گوشه جهان برآمده و بر سخن هوشمندان و جهت بخش مقام معظم رهبری در این رابطه دقت داشته باشند که فرمود: «هر ملتی اگر تسلیم سلطه قدرتهای بزرگ عالم شد، از دست رفته است. هر ملتی اگر حاضر شد از شرف ملی، اقتدار ملی و اراده ملی خود چشم بپوشد در ورطه بی‌پایان وادی‌ای که آخر آن معلوم نیست، لغزیده است».

### 3. امر به معروف و نهی از منکر

وجود حاکمیت استبدادی و پیاده نشدن اسلام ناب در ادوار مختلف، ناشی از ترک این فریضه مهم در بین مسلمانان می-باشد. علما و اندیشمندان در جهت ترویج این امر الهی نقش مهمی دارند؛ زیرا براساس تفکر حکومت دینی، تبعیت از حاکمان جور و استبداد، منکر و نارواست و حفظ حکومت اسلامی از باب امر به معروف واجب، چرا که پیروی از طاغوت همسنگ شرک به خداست.

در واقع امر به معروف و نهی از منکر، دو فریضه الهی هستند که بدون آنها تحقق شهری قانونمند و با فرهنگی متعالی، امری شبیه به محال خواهد بود. امیرالمؤمنین(ع) در نهج البلاغه امر به معروف و نهی از منکر را از جهاد هم بالاتر می‌داند؛ زیرا حکم جهاد در واقع از درون فریضه امر به معروف و نهی از منکر خارج می‌شود. ما اگر بخواهیم به عظمت و جایگاه این فریضه بسیار مهم پی‌ببریم، باید به نقش انسان کاملی چون امام حسین(ع) در ماجرای کربلا نگاهی بیندازیم و از آن درس بگیریم.

#### نتیجه

علما و روحانیان، مؤثرترین افراد در شکل‌گیری و هدایت جریان اسلام‌خواهی در جهان و پرچم‌داران مقابله با استکبار و تهاجم فرهنگی در عصر غیبت می‌باشند. بیداری جوامع اسلامی و مبارزه آنها با نظام سلطه و استبداد، در طول اعصار مختلف و به خصوص در عصر حاضر، خود گواهی روشن بر نقش هدایتگری علما و روحانیان در این حرکت مقدس است. علما، نقش مهمی در تبیین اندیشه‌های اسلامی و تربیت جامعه و سوق دادن آن به سرمنزل مقصود دارند. زنده شدن دوباره در پرتو اسلام اصیل و تجدید حیات آن با درایت و رهبری خواص جامعه معنا می‌دهد. در واقع اگر تشکیل حکومت واحده اسلامی و مبارزه با ظلم و فساد و احیای ارزشهای اسلامی را يك اصل مسلم و آن را بر پایه قرآن و سنت بدانیم، علما و روحانیان، رکن اصلی آن می‌باشند. آنها آگاه به قرآن و سنت هستند و قادرند اصول زندگی و رسیدن به تعالی و قرب الهی را از متون دینی استخراج و استنباط کنند. بنابراین سیر رفتاری و اخلاقی آنها همواره حائز اهمیت بوده و صعود آنها صعود جامعه و سقوط آنها سقوط جامعه را در پی دارد و بر همین اساس در تحولات منطقه‌ای و جهانی سررشته امور در دست آنها می‌باشد و می‌توانند با تمسک به وحدت و بهره‌برداری از آموزه‌های دینی، در هدایت مردم برای مقابله با استبداد و اتکا به سرمایه‌های انسانی و موهبات الهی نقش بسزایی داشته باشند. راهکارهای عملی جهت هدایتگری علما و اندیشمندان و برون-رفت از چالشهای جهان اسلام از این قرارند:

1. استکبار ستیزی و مبارزه با استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل و تلاش برای تقویت روح خودباوری و اعتماد به نفس در مواجهه با فرهنگ تبلیغاتی و روانی نظام سلطه در جوامع اسلامی.
2. صدور فتاوی تعیین کننده و برجسته از سوی مراجع مقتدر مذهبی در جهت تقویت و تعمیق انسجام اسلامی (صدور فتاوی وحدت آفرین اسلامی).
3. تقویت و بسط آیینهای مذهبی و وحدت محور و حذف آیینهای اختلافبرانگیز در جهان اسلام از سوی علما و اندیشمندان و نخبگان مذهبی و سیاسی.
4. جلوگیری علما از کارهای افراطی و محکوم کردن اعمال غیر انسانی افراد افراطی در جهان اسلام.
5. خودداری عالمان و اندیشمندان مذهبی از اظهارات تحریک کننده و حساسیت برانگیز.
6. ضرورت رجوع به سبک زندگی دینی با محوریت قرآن و سنت به عنوان مبنای نو برای تمامی جهانیان.
7. تشویق و ترغیب مردم برای بهره‌گیری از نمادهای کارآمد و مهم در سطح جهان اسلام (روز قدس، هفته وحدت و حج) و تولید شعارها و نمادهای جدید انسجام محور و استکبار ستیز.
8. تشویق دولتهای اسلامی برای تأسیس نهادهای امنیتی مرتبط در سطح جهان اسلام برای مقابله با تهدیدات امنیتی بیگانگان.
9. تقویت نقش و جایگاه جهان اسلام و کشورهای اسلامی در نظام نوین بین‌الملل بر پایه مصالح عالیله امت اسلام به ویژه در بهره‌گیری بهینه از مواهب عظیم طبیعی و منابع انسانی.
10. تحقیق و تألیف کتب در سطح ملی و تهیه گزارش به وسیله محققان و نویسندگان و رسانه‌ها درباره بیان ضرر و زیان اختلافات مذهبی.
11. آگاه‌سازی مردم از ترفندهای دشمنان در راستای خاموش ساختن شعله‌های بیداری اسلامی و اتحاد شکنی.
12. ایجاد همدلی و وحدت و همچنین آگاهی بخشی و بصیرت افزایی جامعه.
13. توجه به مؤلفه‌های مهم وحدت (اسلام، توحید، قرآن، نبوت و اهل‌بیت).
14. شناسایی تمام نهادهای دینی - مذهبی جهان اسلام و ایجاد ارتباط مستمر و نهادینه میان آنها.
15. اتخاذ تصمیم برای موضع‌گیری مشترک علمای بزرگ اسلامی در مناسک و آیینهای ویژه.
16. حفاظت از اماکن متبرکه و مقدس اسلامی در سطح جهان اسلام.

17. تدوین فقه مقارن و عقاید تطبیقی از سوی نخبگان دینی و تبلیغ و تدریس این منابع در حوزه‌های دینی.
18. تعریف، تدوین و مشخص کردن حد و مرز موضوعاتی چون: کفر، شرک، فسق و ... در نشستهای مشترک اسلامی و جلوگیری از نشر آثار تفرقه‌انگیز و اظهارنظرها و اتهامات سلیقه‌ای و متعصبانه و مغرضانه در جهان اسلام نسبت به یکدیگر.
19. لزوم آشنایی روحانیان بیدارگر با علوم تخصصی روز، و مجهز شدن به روشهای نوین پاسخگویی جهت پرکردن خلأهای موجود در جوامع اسلامی.
20. تقویت برنامه‌های تبادل فرهنگی از طریق نمایشگاهها و جشنواره‌های علمی، ادبی، هنری و نمایشی با رویکرد انسجام و وحدت مذهبی.
21. تدوین تاریخ، پیشینه و حوادث مشترک اسلامی از صدر اسلام تا کنون به صورت منسجم و تبلیغ و تدریس آن در کشورهای اسلامی.
22. تشویق و ترغیب دولتهای اسلامی جهت فراهم ساختن اساس اقتصادی مستقل برای پشتیبانی از فعالیتهای مذهبی.
23. ارائه الگوی مردم‌سالاری اسلامی به جای الگوی دموکراسی غربی.
24. ارتباط نهادینه و مستمر نخبگان فکری مسلمان در سطح جهانی در قالب تشکلهای فرهنگی.
25. استخراج متون مشترک روایی مورد قبول فریقین و بهره‌گیری از آن به عنوان پایه‌های تقریب.
26. آسیب‌شناسی مسائل اجتماعی و فرهنگی جهان اسلام و پایه‌ریزی مهندسی فرهنگی و اجتماعی بر مبنای گفتمان تقریب مذاهب اسلامی.
27. تشویق و ترغیب دولتهای اسلامی جهت تأسیس بازار مشترک در کشورهای اسلامی.
28. تشویق دولتهای اسلامی برای تولید برنامه‌های رادیو و تلویزیونی مشترک کشورهای اسلامی.
29. تشویق و ترغیب برای به روز رسانی جهان اسلام در تکنولوژی و تسلط و دسترسی به رسانه‌های بین‌المللی و فرهنگی برای تقابل با جنگ نرم و جنگ رسانه‌ای دشمن.
30. پیگیری و تلاش جهت تشکیل قدرت بین‌المللی اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید در جهان بر پایه دین، عقلانیت، علم و اخلاق.

## فهرست منابع و مآخذ

1. قرآن کریم.
2. آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم، ترجمه محمدعلی انصاری، قم، دارالکتاب، بی‌تا.
3. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی، 1391/9/21 ش.
4. همو، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، 1379/1/26 ش.

5. همو، بیانات در دیدار با میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی و جمعی از اقشار مختلف مردم، 1368/7/24 ش.
6. خمینی، روح الله، صحیفه انقلاب: وصیتنامه سیاسی الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهارم، 1368 ش.
7. همو، صحیفه نور، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1362 ش.
8. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم، مؤسسه امیرالمؤمنین (ع)، 1385 ش.
9. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، قم، انتشارات اسماعیلیان، 1371 ش.

